

گزیده فرمانها

موجود در کتابخانه ملی

زیر نظر دکتر محمد اسماعیل رضوانی^۱

با اهتمام حوریه سعدی و با همکاری زهرا حداد و میناودادی

انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵، ۷۵ صفحه

بطوری که در پیشگفتار اشاره شده است این کتاب شامل بخشی از فعالیتهای پژوهشگران کتابخانه ملی ایران است در زمینه معرفی و انتشار فرمانهای تاریخی موجود در کتابخانه ملی ایران، مجموعه «گزیده فرمانها» شامل ۳۴ فرمان مختلف از دوره صفوی تا قاجار است که توسط مرحوم دکتر محمد اسماعیل رضوانی بازخوانی شده بود و به همت ویراستاران کتابخانه ملی و با مقدمه آقای دکتر عبدالحسین نوائی به صورت مستقل انتشار یافته است.

آقای دکتر نوائی در مقدمه خود با اشاره به جایگاه اسناد و فرمانهای تاریخی به عنوان یکی از مهمترین منابع تحقیقات تاریخی و اهمیت دسترسی محققان به آنها چنین به معرفی مجموعه پرداخته است:

... آن روز که بیهقی می‌گفت «من آنچه نوشته‌ام از مشهودات خود من است یا آنچه از ثقات و مردم مورد اطمینان شنیده‌ام» گذشته است و امروز دیگر مشهودات و مسموعات نیز مورد اعتنا نیست مگر آن که اسناد بر آن مهر تأیید زند که آدمی از خطا در دید یا خطا در گوش یا خطا در فهم و غرض به دور نیست و تنها اسناد آرشیوی هستند که مطالب و قضایای گذشته را دقیقاً آن طور که بوده و شده به نظرهای می‌رسانند. چنین است که ما باید تاریخ کشور خودمان را براساس اسناد آرشیوی موجود بنویسیم و مسلماً تاریخی که براساس این اسناد نوشته می‌شود با تواریخ دیگری که تاکنون مورد

استفاده بوده متفاوت خواهد بود. زیرا این اسناد روزگاری برای گردش کارهای جامعه از قبیل انتصاب دولتی و وقف و نکاح و مالیات و عوارض بریعی و شری... یعنی مسائل مبتلا به جامعه نوشته می شده و قصد ریا و فریب و جعل و تزویر در آنها نبوده که در باب لزوم صدور آن بحث باشد. و در شناخت صحت و سقم آن تدبیرها به کار رفته و امروز که آن مسائل اداری و آن کارهای دولتی و خصوصی از میان رفته هر سندی تنها حدیثی از یک مطلب تاریخی است چه بسا واقعه‌ای که در کتب تاریخ نیامده زیرا کتاب تاریخ - آن هم کتب مختصری که متناسب با حوصله تنگ ماست - هرگز نمی تواند همه وقایع و رخدادها را ضبط کند.

بنابراین ما باید براساس این اسناد، فارغ از اظهار نظرهای بیگانگان و مدیحه سراییها و مذمتهای چاپلوسان درباری و متملقین دهور و اعصار، تاریخی درست و صحیح از کشور و مردم خود بنویسیم و نشیب و فرازها و پیروزیها و شکستها و بیشیها و کاستیها همه را صادقانه بنویسیم و حتی در مورد کسانی که جزء جزء تاریخ ما را شکل بخشیده اند، همه چیز را از خوبیها و زشتیها و خدمتها و خیانتها بیاوریم تا جامعه بتواند بخوبی و روشنی درباره ادوار و شخصیتهای تاریخی داوری کند. براین اساس است که ما هر اقدامی را که در بررسی اسناد صورت می پذیرد شایسته قدردانی می دانیم و کار دکتر رضوانی را - که رضوان خدا بر او باد - و نیت و کوشش اولیای کتابخانه ملی را بسیار سودمند و پرارزش تلقی می کنیم.

برخی نکته ها نیز در تنظیم کتاب قابل یادآوری است از جمله در شرح حال امین السطان (ص ۵۸) مشهورترین لقب او «اتابک» یا «اتابک اعظم» ذکر نشده. توجه به این القاب مشهور برای کسانی که در تاریخ و شناخت رجال دوره قاجار تسلط و تبحر کافی نداشته باشند لازم است. در همان صفحه نام برادر اتابک میرزا اسماعیل خان امین الملک ذکر شده که در آن دوره به شیخ اسماعیل خان امین الملک معروف بوده است زیرا در جوانی مدتی را در کسوت طلاب به خواندن دروس حوزوی پرداخته بود و این رسم در دوره قاجار رواج داشت که برخی از رجال فرزندان مستعد خود را به تحصیل معارف اسلامی و علوم شرعی می گماشتند، چنانکه یکی از پسران ظل السطان نیز از جوانی در حوزه های اصفهان درس خواند و در کسوت اهل علم بود. امین السطان هنگامی که کشته شد چنانکه در توضیحات کتاب آمده عنوان صدر اعظم نداشت. عنوان وی در دوره مشروطه رئیس الوزرا و وزیر داخله بود. همچنین فرمان تصویبی احمد شاه قاجار که در

فهرست بعنوان فرمان اعطای نشان به وثوق الدوله معرفی شده مربوط به سید فیض الله ندیم است نه وثوق الدوله. طغرای سررقم فرمان ۶ که نوشته شده خوانده نشد، چنین خوانده می شود: «الملک لله تعالی فرمان همایون شد». در مورد اسناد و فرمانهای مربوط به بلوک کربال که در کتاب چاپ شده و از لحاظ شناخت تاریخ و جغرافیای تاریخی فارس در آن دوره بسیار حائز اهمیت است اگر توضیحی درباره رقابت متنفذان نوحاسته محلی با خاندان قدیمی سادات دشتکی و بدیع الزمان مستوفی در تملک کربال داده می شد، مطالب و موضوعات این فرمانها رساتر و گویاتر می گردید.

توجه کتابخانه ملی در عرضه و انتشار این فرمانها و اسناد تاریخی مایه سپاس و قدردانی است. توفیق مسوولان و پژوهشگران آنجا را در پیشبرد و تحقق این گونه برنامه های ارزنده علمی و فرهنگی آرزو داریم.

مظفر بختیار

